

گره زدن سیاست به اقتصاد

## نقش ترجیحات سیاسی بازیگران اصلی اقتصاد در انتخابات

### تحلیل حمله به کنگره براساس دیدگاه گروه‌های تولیدگر

**بیشتر از آن چیزی که تصورش را بکنیم، نیاز داریم تا از سایر نقاط جهان، چیزهایی را بیاموزیم**

ما دیروز شاهد رفتاری بودیم که پیش از این، در آمریکا غیرقابل تصور به نظر می‌رسید؛ رئیس جمهوری که براساس اتهامی نامعقول در مورد تقلب در انتخابات، مردم را ترغیب کرد تا قدرت را با توسل به زور در دست بگیرند؛ اعضای کنگره ای که درباره همان چرندیات همیشگی از تئوری‌های توطئه سخن گفته و از ابطال نتایج انتخابات حمایت می‌کردند؛ انبوهی از شهروندان خشمگین، عمدتاً مردان سفیدپوست که مزین به تمام نمادهای مربوط به ترامپ بودند و با پرچم‌های کنفدراسیون و نئونازیسمی که در میان جمعیت به اهتزاز درآمده بود، راهشان را به سمت مهم‌ترین نشانه معماری حکومت دموکرات آمریکا، یعنی عمارت کنگره با قلدری باز می‌کردند.

من به عنوان یک آمریکایی، دیروز اشک‌هایم سرازیر شد و با خود گفتم، ما بهتر از این هستیم و

سنا که از آخرین تلاش‌های آقای ترامپ برای نگه داشتن قدرت حمایت می‌کردند مبلغی حدود ۲ میلیون دلار در طی چرخه انتخابات ۲۰۱۹-۲۰۲۰ از شرکت‌های کمیته‌های اقدام سیاسی (مانند صنایع کوچک، ای تی اند تی و...) دریافت نموده‌اند. با این وجود، یکی از تعجب‌آورترین موارد حمله به کاخ کنگره، بی‌اعتمادی معترضان و حامیان ترامپ به انتخابات و نهادهای دولتی بود اما نهادهایی که دقیقاً خود رئیس جمهور بعد از روی کار آمدنش در چهار سال گذشته، آن‌ها را توسعه داده بود.

«اگر کشوری به صورت بی‌وقفه، ناآرامی را در نقاط دیگر جهان ترویج دهد، نمی‌تواند در داخل خاک خود از آرامش پایدار بهره‌بردار. بهترین درسی که می‌توان از این مقوله گرفت، این است که ایالات متحده باید متعهد شود تا به جای معرفی و صادر کردن خود به عنوان یک الگو، به بازسازی دموکراسی از هم‌پاشیده‌اش بپردازد.» استفان کیننر

ادوارد استین‌فلد، استاد مطالعات چین، در این مطلب با عنوان «نظرات کارشناسان سیاست و اقتصاد در خصوص حمله به کاخ کنگره ایالات متحده» - که در ۲ ژانویه ۲۰۲۱ در تارنمای مؤسسه واتسون منتشر شده است - پیرامون تجزیه و تحلیل حمله به کنگره براساس رویکرد (دیدگاه) گروه‌های تولیدگر (نه دیدگاه گزینشگر) سخن گفته است. تمرکز در روش «دیدگاه‌های گزینشگر» بر حزب‌ها و رأی‌دهندگان است ولی در روش «دیدگاه گروه‌های تولیدگر» دخالت ترجیحات سیاسی بازیگران اصلی اقتصاد در سیاست، بررسی می‌شود. بطور مثال انجمن ملی تولیدکنندگان، یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین گروه‌های تولیدگر در آمریکا، در اظهارنظری قابل توجه، وقایع دیروز در کنگره را «فتنه» خواند و به وضوح بیان کرد که پرداختن به تئوری‌های توطئه برای جمع‌آوری دلارهای تبلیغاتی، شریک بودن در این فتنه است. بر اساس ادعای روزنامه فایننشال تایمز، تعدادی از اعضای مجلس



رهبران اجتماعی حول فرضیه‌های توطئه بی‌رحمانه در خصوص سازمان‌های دولتی مذهبی تردد کردند؛ مردم خشمگین و تأثیرپذیر به بانگ، برای هوشیاری برخواستند؛ فرصت طلبان سیاسی به کینه‌های درون اجتماع آتش زدند و بالاتراز همه، یک رهبر پرجذبه است که در خود شیفتگی غرق می‌شود و از هرج و مرجی که بر ملتش اراده کرده است، لذت می‌برد.

یک پژوهشگر چین مدرن و به‌ویژه عضو موسسه متمرکز بر تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای جهان، واکنش متفاوتی نسبت به این موضوع دارم. چنانچه مطلبی اخیراً در آتلانتیک نوشتیم، حاکی از وقایعی است که در دوره ریاست جمهوری ترامپ رخ داد و به‌طور وحشتناکی یادآور الگوهایی است که بیش از پنجاه سال پیش، در اوج پیروی از اندیشه‌های مائوتسه تونگ در چین شکل گرفت.

چیزی که دیروز مشاهده کردم، نشان‌دهنده خود واقعی ما نبود؛ و به آمریکایی‌هایی از نسل افراد معمولی جامعه مانند پدر مرحومم که نشان شجاعت و افتخار کهنه سرباز جنگ جهانی دوم را دریافت کرده بود، فکرمی‌کردم که جان برکف از نهاد آزادی حفاظت کرده بودند. نهاد آزادی که دیروز بی‌شرمانه و با گستاخی تمام، مورد هتک حرمت قرار گرفت. واقعاً چطور شد که مردم ما به اینجا رسیدند؟ البته من به عنوان

شهروندان چینی که سنشان کفاف می‌دهد و در طول انقلاب فرهنگی زندگی کرده‌اند، به خوبی می‌دانند که چگونه به ظاهر قدرتمندترین و غیرقابل تخریب‌ترین نهاد‌های اجتماعی، می‌تواند فقط در یک چشم برهم زدن، به خاکستر تبدیل شود. آن‌ها می‌دانند افرادی که معمولاً منطقی و ملایم هستند، توسط رفتارهای خشن و به شدت غمگین و روانی تحریک می‌شوند. آن‌ها می‌دانند که ما چقدر سریع، می‌توانیم از جامعه‌ای متمدن به چیزی شبیه به یک حکومت جنگل تبدیل شویم. آیا ما آمریکایی‌ها از این امر مصون هستیم؟ با توجه به اتفاق دیروز در واقع اتفاقی‌های چهار سال اخیر خیر. این‌گونه نیست؛ ما بیشتر از آن چیزی که تصورش را بکنید، نیاز داریم تا از سایر نقاط جهان پیام‌زیم. البته باید گفت که ما تقاص کاری را که انجام داده‌ایم، پس می‌دهیم. در یک بیان کلی، دوروش معروف تجزیه و تحلیل سیاست وجود دارد: «دیدگاه‌های گزینشگر» که بر حزب‌ها و رأی‌دهندگان متمرکز است؛ و دیگری که «دیدگاه گروه‌های تولیدگر» نام دارد، جایی است که ترجیحات سیاسی بازیگران اصلی اقتصاد در سیاست دخیل است. یکی از جالب‌ترین وقایع دیروز، اظهارات انجمن ملی تولیدکنندگان، یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین گروه‌های تولیدگر در آمریکا بود. آن‌ها وقایع دیروز در کنگره را «فتنه» خواندند و

به وضوح بیان کردند که «هرکسی برای جمع‌آوری دلارهای تبلیغاتی به تئوری‌های توطئه بپردازد، در این فتنه شریک است.» در واقع، وقایع دیروز می‌تواند این موضوع را برجسته کند اما رابطه طولانی مدت تجارت با حزب بزرگ قدیمی یا همان حزب جمهوری خواه آمریکا برای به دست آوردن هر چه که بخواهید (از جمله کاهش مالیات، رفع نظارت، کاهش قوانین محیطی)، برای مدتی تحت فشار بوده است. البته این، بدین معنا نیست که حزب جمهوری خواه آمریکا، ناگهان طرفدار رعایت مقررات شده باشد، بلکه با دامن زدن هر چه بیشتر به حاشیه و توهم توطئه، حزب جمهوری خواه آمریکا، دیگر شریک قابل اعتمادی برای تجارت نیست. ابتدا جنگ تجاری میان ترامپ و چین را در نظر بگیرید که تا آغاز سال گذشته، نزدیک به ۵۰ میلیون دلار برای تجارت ایالات متحده هزینه داشته است. سپس قلع و قمع کردن شرکت‌های دیجیتال توسط او را در نظر بیاورید که به لطف همه‌گیری بیماری کرونا، امروزه حدود ۲۰ درصد از شرکت‌های برتر اس‌اند پی را تشکیل می‌دهند. در حال حاضر، امتناع ترامپ از پذیرش نتیجه انتخابات را به شکست کامل در سیاست‌گذاری مبتنی بر واقعیت که از ویژگی‌های بارز دولت بوده است، اضافه کنید و میلیاردها دلار مبالغی را که شرکت‌ها در اتاق‌های

فکر و پروژه‌های جناح راست خرج کرده‌اند که با روندی آهسته، سال‌ها حزب جمهوری خواه آمریکایی را به حواشی هدایت کرده است - به نظر سرمایه‌گذاری درخشانی به حساب نمی‌آید.

چارلز کوچ، یکی از سرمایه‌گذاران اصلی حواشی حزب جمهوری خواه آمریکا، اخیراً اعتراف کرده است که «اوه! ما واقعاً گند زدیم.» بنابراین، کنایه‌ای نیز در این خصوص در بیانیه «انجمن ملی تولیدکنندگان» وجود دارد. از این گذشته، اگر به خاطر سرمایه‌گذاری سازمان‌های تجاری بر روی اخبار جعلی مربوط به تغییر اقلیم، اصلاحات رفاهی، روابط نژادی و مالیات برای سه دهه گذشته نبود، دیروز این اتفاق نمی‌افتاد؛ بنابراین همان‌طور که آن‌ها می‌گویند، شما تقاص کاری را که انجام داده‌اید، می‌دهید.

**این رویداد، ریشه در گذشته دارد**  
آیا می‌توانید بدون سقوط از روی یک لبه باریک بالا بروید؟ خشونت او باش روز گذشته در عمارت کنگره، نشان می‌دهد که جواب، قطعاً منفی است. از دهه ۱۹۶۰، وقتی جمهوری خواهان شعاری را از جورج والاس، عضو هیئت دولت آلاباما، به عاریت گرفتند، خود را به عنوان حزب «قانون و نظم» معرفی کردند. در واقع، ترامپ این ادعا را پس از آنکه گروهی از طرفداران وی در سالن‌های کنگره شورش کردند، در توییتی تکرار کرد. بسیاری از



اعتراضشان را هنگامی که وی مانع تحقیق وزارت امنیت داخلی در مورد خطرات تروریسم داخلی توسط برتری طلبان سفیدپوست شد، به گوش کسی برسانند. هفته‌ها رهبران جمهوری خواه با ادعای او حاکی از اینکه در انتخابات ۲۰۲۰ تقلب شده است، مخالفتی نکردند. حتی بعد از شورش او باش، تعداد قابل توجهی از اعضای مجلس جمهوری خواه و اعضاء مهم مجلس سنا، حقانیت انتخابات را زیر سؤال بردند. حزب جمهوری خواه تقاص کارهایی را که انجام داده، پس می‌دهد؛ اما نه فقط اتفاقات چند روز اخیر، بلکه تقاص تمام کارهایی را که در طی این نیم قرن انجام داده است. در واقع، چندان هم تعجب‌آور نیست.

که به رهبری میچ مک کانل بود، او از قدرت خود برای جلوگیری از رئیس جمهوری اوپاما در هر لحظه استفاده کرد، او بدبینی نسبت به دولت را افزایش داد و به نفرت از واشنگتن دامن زد. در طول دوره ریاست جمهوری ترامپ، جمهوری خواهان پشت رهبران‌شان بودند، حتی زمانی که ترامپ، ترس‌های حاکی از تبعیضات نژادی را افزایش داد، دروغ را به عنوان راهکار اصلی حکمرانی در نظر گرفت که در رسیدگی به بزرگ‌ترین فوریت بهداشت عمومی در قرن گذشته موفق نبود. آن‌ها مشاهده کردند که وی چگونه کار قوه مجریه را تحریف می‌کند و به نفع هم پیماله‌های سیاسی خود، کارشناسان را کنار می‌زند. آن‌ها حتی نتوانستند صدای

جمهوری خواهان با تأکید بر اینکه غارتگران هیچ ربطی به اکثریت قریب به اتفاق رأی دهندگان ترامپ نداشته و ندارند، از شورشی که در واشنگتن رخ داد، ابراز بهت و حیرت کردند. قبل از انتخاب ترامپ، حزب جمهوری خواه، زمینه خشونت‌های دیروز را فراهم کرده بود. حرف‌های دو پهلوی مربوط به سیاست‌های نژادی و خطابه‌های فصیح ضد دولتی از دهه ۱۹۶۰، نقش اساسی در نظر جمهوری خواهان داشته است؛ اما بعد از انتخاب اولین رئیس جمهور سیاه‌پوست، بنیاد جمهوری خواهان فراتر رفته و اکنون، مشروعیت دولت را زیر سؤال برده است. فعالان حزب چای، خود ادعای «میهن پرستی» واقعی را داشتند. در کنگره جمهوری خواهان



بیش از یک قرن است که ایالات متحده به بی‌ثباتی و عصیان در سراسر جهان دامن زده است. در این لحظه، ما همه تلاش خود را می‌کنیم تا ایرانیان، ونزوئلایی‌ها، چینی‌ها، روس‌ها، کوبایی‌ها و دیگر ملت‌ها را به سرنگونی دولت‌هایشان سوق دهیم؛ بنابراین این اتفاق، تعجب‌آور نیست که مردم ایالات متحده نیز می‌پندارند، استفاده از زور علیه دولت‌هایی که از آن‌ها خوشمان نمی‌آید، نه تنها قابل قبول بوده بلکه صد درصد آمریکایی است. «اگر کشوری به‌طور بی‌وقفه ناآرامی را در نقاط دیگر جهان ترویج دهد، نمی‌تواند در داخل خاکش آرامش پایدار بهره‌برد. بهترین درسی که می‌توان از این مقوله گرفت، این است که ایالات متحده باید متعهد شود تا به جای معرفی و صادر کردن خود به عنوان یک الگو، به بازسازی دموکراسی‌های پاشیده‌اش بپردازد»

**دموکراسی آمریکایی به توانایی احساس شرم و هنجارها بستگی دارد**

دموکراسی آمریکایی به توانایی احساس شرم و هنجارها بستگی دارد؛ ما باید از رهبران خود بخواهیم تاریخ‌های شورش‌های عرژانویه را بررسی کنند. به عنوان مثال، چرا اختلاف آشکار میان نحوه برخورد افسران پلیس با شورشیان سفیدپوست خشن و معترضان صلح طلب سیاه‌پوست، همچنان وجود دارد؟ دولت بایدن همراه با دولت‌های شهری و ایالتی، باید برتری طلبان

سفیدپوست در تمام سطوح نیروی پلیس را ریشه‌یابی کنند. همچنین، چه نیروهای سیاسی‌ای باعث می‌شوند که بسیاری از سیاستمداران جمهوری خواه طرفدار آتش‌افروزی‌های ترامپ در دوستان باشند؟ روزنامه‌فایننشال تایمز دریافت که ۱۳ عضو مجلس سنا - که از آخرین تلاش‌های آقای ترامپ برای نگه داشتن قدرت حمایت می‌کنند - تقریباً ۲ میلیون دلار در طی چرخه انتخابات ۲۰۲۰-۲۰۱۹ از شرکت‌های کمیته‌های اقدام سیاسی از جمله صنایع «کوک»، شرکت‌های «برکشایرها تاوی»، «ای تی اند تی» و «یوپی اس» دریافت نموده‌اند.

سرزنش ترامپ برای شورش از شرکت‌های حامی مالی او شروع نمی‌شود و به آن‌ها نیز خاتمه نمی‌یابد اما رسانه‌های ایالات متحده باید به مصرف‌کنندگان در مجازات شرکت‌هایی که مسئول این شورش بودند، کمک کنند. چرا یک روزنامه غیرآمریکایی باید حقایق شرکت‌های حامی مالی او را مورد توجه قرار دهد؟ پیگیری این دلایل اصلی، کار بسیار مهمی است و ما به عنوان شهروند، باید امیدوار باشیم. هیچ چیز در سیاست به صورت خطی نیست، کنش باعث واکنش می‌شود و واکنش شدید علیه شورش عرژانویه، ممکن است که دموکراسی آمریکایی را تقویت کند. در واقع، قدرت‌های

بزرگ‌تری پشت شورش عرژانویه هستند.

۲۰۲۱ هستند. علت مستقیم یورش دیروز به کاخ کنگره نیز تلاش‌های دونالد ترامپ برای غیرمعتبر ساختن پیروزی جو بایدن در انتخابات بود. تصمیم اعضای مجلس سنا، سن کد کروز (تگزاس) و جاش هاوولی (میسوری)، برای اعلام مخالفت‌های مورد نظر خود در مورد تصویب آرای انتخاباتی برخی از ایالت‌ها، به دلایل کاملاً همراه‌کننده، بدون احتمال موفقیت، کمک مهمی به این قضیه می‌کند. اوپاش طرفدار ترامپ که به کنگره حمله‌ور شدند نیز نتیجه سه نیروی بزرگ‌تر قبیله‌گرایی، هواداری تعصبی منفی و ناکارآمدی عملکرد دولتی بودند که طی چند دهه گذشته، دموکراسی آمریکایی را تضعیف کرده است. ما این نیروها را در نسخه‌ی ویرایش شده کتاب جنبش‌های دموکراسی آمریکایی (انتشارات دانشگاه کانزاس) بررسی می‌کنیم. دموکراسی ریاست جمهوری نسبت به دموکراسی پارلمانی در معرض آسیب بیشتری قرار دارد؛ پروفیسور ورشنی به هیئت‌ی از متخصصان بین‌المللی پیوست تا درباره اینکه چگونه یورش به مجلس مقننه که رئیس‌جمهور بر آتش آن دمیده بود در دموکراسی ریاست جمهوری امکان‌پذیر بوده اما در دموکراسی پارلمانی، تقریباً غیرممکن است که با هم بحث و گفتگو کنند.



خودنمایی می‌کرد، تنها بخشی از تصاویر تکان‌دهنده آن روز بود؛ اما هرچقدر که خسارت به ساختمان ناراحت‌کننده بود، واقعیت بدتر این است که این، قیامی مسلحانه با هدف لغو عملکرد قانونی خود دولت بود. در زمان این رویداد، کنگره در حال برگزاری یک جلسه مشترک برای انجام آخرین مراحل تصویب انتخاب رئیس‌جمهور جدید بر اساس قانون اساسی بود.

کنگره یک گنجینه ملی زیبا و شاید شناخته‌شده‌ترین نماد دموکراسی آمریکایی است. ۳۴ سال در آنجا کار کرده و در آنجا نیز ازدواج کردم. در واقع، احساس می‌کردم که به خود من هتک حرمت صورت گرفته است. دیدن سلاح‌های از غلاف درآمده در تالار مجلس، دیدن آشوبگری که در ایوان جست‌وخیز می‌کرد، اشغال صندلی صدر مجلس و پرچم‌های کنفدراسیون که در سالن‌های کنگره

**دونالد ترامپ فراتر از قانون نیست**  
 حمله مسلحانه آشوبگران خشمگین به کنگره، در بطن یکی از تاریک‌ترین روزهای تاریخ آمریکا قرار داشت. این امر، جدی‌ترین حمله به ساختمان از زمان سوختن آن توسط بریتانیا در طول جنگ ۱۸۱۲ بود که بنده شخصاً آن را در سطوح مختلف، بسیار مشوش‌کننده یافتم. من از هتک حرمت و یورش به بنای ساختمان، بسیار ناراحت شدم. کاخ

البته عصبانیت‌مان از حوادث کنگره آمریکا، نباید ما را از اصل موضوع منحرف کند. در بطن خطری که ماهیت دموکراسی ما را خدشه دار کرده، نمی‌توان این موضوع را انکار کرد که عامل تحریک اوباش در این حادثه، شخصی رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا بوده است. رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، باید پاسخگو باشد. عزل او تحت متمم ۲۵ قانون اساسی یا از طریق استیضاح و محکوم کردنش، عملی شایسته و درخور است. با این حال، ادامه حمایت از او توسط فعالان حزبش، تصور عزل موفقیت‌آمیز او را دشوار می‌کند. اگرچه قابل درک است که رئیس‌جمهور جدید مایل به آغاز دولت جدیدش با تلاش برای رسیدگی و مجازات رفتار افراد پیش از خود است اما وی متعهد شده که از استقلال وزارت دادگستری محافظت کند. دونالد ترامپ، فراتر از قانون نیست حتی اگر بخواهد خودش را عفو کند و امیدوارم که عدالت محقق شود.

### سفیدپوست بودن عاملی است برای در امان ماندن از خشونت جسمی و حیثیتی

در تاریخ ۱۶ ژانویه، حادثه آشوب در کنگره - که به وسیله حامیان ترامپ اتفاق افتاد - موارد زیادی را در مورد خشونت پلیس ضد سیاه‌پوستان که در طول تاریخ علیه مخالفان سیاه‌پوست انجام شده است، آشکار می‌کند. تعجب‌آور نیست که میان

رفتار پلیس در مقابله با اعتراضاتی با عنوان «جان سیاه‌پوستان اهمیت دارد» که پس از قتل جورج فلویید و برانا تیلور به راه افتاد و آشوب‌های حامیان ترامپ، تفاوت فاحشی وجود داشت. عدم به‌کارگیری شیوه‌های سرکوبگرانه، عدم توسل به خشونت، عدم استفاده از گلوله‌های پلاستیکی و اسپری فلفل که ویژگی شاخص واکنش پلیس به اعتراضات سیاه‌پوستان و گونه‌های نژادی مختلف در این تابستان بود، گواهی بر این ادعا است. در عوض، ما شاهد بودیم که چگونه طرفداران ترامپ که غالباً سفیدپوست بودند به راحتی از دیوار ساختمان‌ها بالا رفته، مجسمه‌ها را به یغما بردند، با افسران پلیس عکس انداخته و دفاتر کنگره را اشغال کردند. طرفداران ترامپ مورد حمایت رهبران کنگره از جمله سناتور جاش هاوولی و جمهوری خواهان میسوری، قرار گرفتند و همچنین، توسط رئیس‌جمهور ستایش شدند، به طوری که از آن‌ها با عنوان «طرفداران خاص» یاد کرد و البته این هم جای تعجب ندارد. باید سؤالاتی پرسیده شود آن هم راجع به اینکه چگونه معترضان سفیدپوست طرفدار ترامپ، نه تنها با خشونت فیزیکی که در مقابله با اعتراضات سیاه‌پوستان اعمال می‌شد، مواجه نشدند بلکه از خشونت حیثیتی که علیه جوامع سیاه‌پوست در دوران اعتراضاتشان به کار می‌رفت نیز در امان ماندند؟

در دهه ۱۹۶۰، ترس از خشونت سیاه‌پوستان، سیاست‌گذاران و اندیشمندان اجتماعی را ترغیب کرد تا طیف وسیعی از سیاست‌ها را گسترش دهند که موجب افزایش تبعیض نژادی در سراسر نهاد‌های اجتماعی می‌شود (به فعالیت‌های الیزابت هینتون در اینجا مراجعه کنید). همچنین، ترس از خشونت سیاه‌پوستان، سیاست‌گذاران و محققان اجتماعی را بر آن داشت تا اختلاف عقیده سیاه‌پوستان را نتیجه آسیب‌شناسی آنان و ذیل عنوان بزرگ‌تری به نام «فقر فرهنگی» شان توضیح دهند. چنین راه‌حل‌های مبتنی بر رفتار که همچنان بر اصلاحات اجتماعی تسلط دارند، از انتقادات ساختاری طفره می‌روند که موجب برانگیختن ناآرامی‌هایی می‌شود که با انتقادهایی در رابطه با فقر و استثمار اقتصادی، خشونت بیش‌ازحد پلیس و شیوه‌هایی که سد راه سیاه‌پوستان می‌شود، آغاز می‌گردد. آشوبگران کنگره، نه تنها به ادعاهای بی‌اساس خود مبنی بر تقلب در انتخابات اعتراض کردند بلکه از دور اول خشونت بیش‌ازحد پلیس هم فرار کردند؛ اما معترضان و رهبران آن‌ها، علی‌رغم تفکرهای بیهوده‌شان، احتمالاً این امر را منکر خواهند شد؛ تحقیقی بادوام که به وسیله سیاست‌گذاران و محققان اجتماعی انجام شده است. کسانی که در غیر این صورت، تمام سفیدپوستان آمریکایی را همچنان

خشن، غارتگر، آسیب‌شناس و همیشه نیازمند اصلاحات جلوه می‌دهند.

### چیزی که دیروز در پله‌های کنگره شاهد آن بودیم، آمریکایی با تقسیمات داخلی بسیار برای استواری دفاعی تأثیرگذار بود

تحریک طرفداران رئیس‌جمهور ترامپ به شورشی خشن در کنگره آمریکا، به نظر مسئله کاملاً داخلی است؛ بنابراین چرا باید دانش آموزان بین‌المللی و عموم، در مورد این موضوع به وجد بیایند. عوامل مختلفی وجود دارد که به توضیح این لکه پاک نشدنی بر عزت و اعتبار ملی ما کمک می‌کند، اما بیشتر آنچه شاهدش بودیم، تأثیر تهاجم متراکم و مستقیم خارجی به جمهوری ما بود که این، به بهترین شکل توضیح می‌دهد چگونه تا ۲ نوامبر ۲۰۲۰، ۷۴ میلیون آمریکایی به این باور رسیدند که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایدئال آمریکا خواهد بود و اینکه او در آن انتخابات، با شکوه گسترده پیروز شد.

حتماً به گوش بسیاری از شما نیز رسیده که فدراسیون روسیه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶، دخالت داشته اما چیزی که احتمالاً نمی‌دانید، دخالت روسیه در سال ۲۰۱۶ تنها و آخرین تلاش روسیه برای تغییر و تعادل قدرت به نفع خودش از طریق اطلاعات دروغین در این چند دهه نبوده است. این تلاش که به «اقدامات

فعال» در روسیه شناخته شده، به وسیله «دستگاه جاسوسی و پلیس مخفی شوروی سابق با نام اختصاری KGB» بوده که اکنون معروف به سازمان اطلاعات فدرال روسیه با نام اختصاری FBS است که حدود ۸۵ درصد از فعالیت‌های آن سازمان، به قصد از هم زدایی و از کار انداختن دموکراسی‌ها به ویژه دموکراسی آمریکا، از طریق اطلاعات دروغین است. این روش با شناسایی شکاف‌های قبلی در جامعه هدف شروع می‌شود و سپس، از اطلاعات دروغین برای تشدید این شکاف‌ها استفاده می‌کند و در نهایت، به وضعیتی منجر می‌شود که واقعیت‌ها، خودشان غیرقابل قبول هستند.

موفقیت اولیه این روش، توسعه ویروس AIDS به منظور کشتن آمریکایی‌های سیاه‌پوست و افراد ال‌جی‌بی‌تی بود. «رسوایی پیزاگت» نیز نمونه بارز اخیر این روش است؛ اما FBS در بهترین حالت خود، نمی‌توانست کاری بکند که نیمی از آمریکایی‌ها تصور کنند نیم دیگر مردم، افرادی پست، نادان و بی‌مصرف هستند. روسیه از گوگل، فیس‌بوک و فاکس نیز در این زمینه کمک گرفت. همه مدل‌های تجاری آن‌ها، مرتباً واقعیت را در ازای درآمد تبلیغاتی فدا می‌کنند. پس نتیجه نهایی آن چه می‌شود؟ آنچه بر روی پله‌های کنگره دیدیم انگلیس هفته گذشته رسماً اتحادیه اروپا را ترک کرد و

ایالات متحده‌ای که به قسمت‌های داخلی متعدد برای ایجاد یک دفاع تأثیرگذار تقسیم شده، همه پیروزی روسیه است.

### اقدام به کودتای ترامپ، هم‌دستان او و آن چیزی که فرار است، اتفاق بیفتد

در لحظه‌ای که باید انتقال مسالمت‌آمیز قدرت بر اساس انتخابات معتبر به کمک بازشماری‌ها و دادگاه‌ها مورد تأیید قرار گیرد، هیچ چیز بیشتر از حمله اوباش، موجب بی‌حرمتی نمی‌شود. این بی‌حرمتی برای استنباط ترامپ بدتر بوده و حتی وحشتناک‌تر است زیرا ما هیچ توضیحی برای اینکه چه اشتباهی رخ داده نداریم. مطمئناً همه ما باید موافق باشیم که ارتکاب جنایت، دزدی و شورش در کنگره به وسیله این مردان سفیدپوست و تعدادی زن و چند مرد با رنگ پوستی متفاوت، بسیار فاحش است. من اعتقاد دارم که این نفرت انگیزان، دستگیر خواهند شد.

چه کسی در امنیت شریک است؟ پلیس با شورشیان عکس می‌اندازد؟ امنیت میهن در کجا است؟ آیا مقامات امنیتی با تشخیص تهدید آنان از آسیب رساندن به احساسات طرفداران ترامپ می‌ترسند؟ آیا کسانی که به تبلیغ دروغ‌های ترامپ در مورد تقلب در انتخابات ادامه دادند، شریک جرم بودند؟ ۱۴۷ جمهوری خواه پس از شورش حضور داشتند که همچنان به دنبال لغو



نتایج انتخابات بودند. مطمئناً هر نماینده مجلس سنا و نماینده این ۱۴۷ نفر، به دلیل خشونت‌های اعمال کردند، رسوا خواهند شد. آن‌ها این اخلال را از میان اخلال‌های در نظر گرفته خودشان نمی‌خواستند؛ اما این مهم نیست، آن‌ها باید به جامعه‌شناسی مقدماتی بگردند و دو درس بیاموزند که هیچ نویسنده‌ای تفسیرکار آن‌ها را برعهده نمی‌گیرد. حتی اگر نمایندگان مجلس سنا منظوری از دعوت به یک شورش را نداشته باشند، ادعای آن‌ها مبنی بر قانونی نبودن این انتخابات، اوپاش و جمعیت را به تهدید کسانی که ترامپ آن‌ها را شرمی خواند، دعوت می‌کند.

همچنین، نویسندگان می‌توانند بدون بیان معنای واقعی کلمه، ارتباط را برقرار کنند. ترامپ به اوپاش خود نگفت که به کنگره حمله کند اما گفت در یک راهپیمایی وحشیانه به کنگره، همراه آنان خواهد بود. آن‌ها می‌توانستند فرضیه را درک کنند. اکنون چیزی که سالن‌های قانون‌گذاری و دفترهای هیئت‌مدیره شرکت‌ها را پرکرده، انزجار از این امر است. معاون رئیس‌جمهور، مایک پنس، شناخته شده به استناد اصلاحیه بیست و پنجم برای برکناری ترامپ از سمت خود است؛ درواقع، همه کسانی که از ترامپ حمایت کردند، شریک جرم محسوب می‌شوند. خطر او برای دموکراسی از مدت‌ها قبل، مشهود بوده است. حال چه

تدبیری لازم است؟ این جنایت آشکار بدون مجازات نخواهد ماند؛ اما ما نمی‌توانیم اجازه دهیم کسانی که فرهنگ دروغ‌پراکنی را به جای فرهنگی پاک جا زدند، به حال خودشان رها شوند. من از دعوت کوری بوش برای تحقیق درباره کسانی که مشروعیت این انتخابات را انکار کردند، حمایت می‌کنم.

هیچ‌کدام از ما نتیجه را پیش‌دوری نمی‌کنیم؛ و اما بحث درباره چگونگی استفاده از شواهد و دلایل در سیاست و مفهوم دروغ در خشونت، شایسته شنیدن است. افسانه‌های آمریکا را دوباره عالی کن، با پایان دوره کار خود نمی‌میرد و تنها در صورتی فراموش خواهد شد که این شیطان، از عرصه خارج شود. این توصیف، بهترین تصویر آن روز سالن‌های کنگره است که دیروز، مورد حمله اوپاش قرار گرفت.

### زمانی که زخم خود اغفالی را تحریک کنید، منجر به پرخاشگری عظیمی می‌شود

اهمیت تاریخیچه و انگیزه ماده ۲۵ اصلاحیه به دلیل اشاره آن است به پاسخگویی به الزامات یک رئیس‌جمهور بیمار از لحاظ پزشکی، نه در درجه اول یک بیمار روانی یا کسی که از زوال عقل رنج می‌برد؛ درست مانند حالاتی که رونالد ریگان در اواخر دوره ریاست جمهوری اش داشت. افراد مختلف می‌توانند در مورد ماهیت

کامل و میزان بیماری‌های روانی رئیس‌جمهور ترامپ بحث کنند اما تعداد کمی مخالف واقعیت خودپرستی شدید وی هستند؛ و این موضوع که اگر زخم خود اغفالی یک آدم خودپرست تحریک شود، پرخاشگری عظیمی رخ می‌دهد، نباید هیچ پزشک بالینی یا هیچ دانشمند و سیاست‌گذاری را شگفت زده کند.

چالش این اصلاحیه، این است که برای پاسخگویی به این نوع مسئله، طراحی نشده است؛ بنابراین از نظر زمانی و ساختاری برای بحران فوری ناشی از بیماری روانی مناسب نیست. یکی از عبارات کلیدی در این اصلاحیه، به کنگره این امکان را می‌دهد که برای قضاوت در مورد صلاحیت رئیس‌جمهور، نهادی جایگزین برای کابینه تعیین کند، اما کنگره برای ایجاد چنین نهادی، صلاح ندانسته است و چنین قضاوتی را در اختیار معاون رئیس‌جمهور و کابینه‌ای که باید چنین ارزیابی‌هایی را تأیید کند، قرار می‌دهد. این افراد به‌طور معمول به رئیس‌جمهور وفادارند یا حداقل برای ادامه کار، به او وابسته هستند.

### صبح روز ششم ژانویه

صبح روز چهارشنبه در پشت اخبار میسون دیکسون، دقایقی با یادداشت تبریک سال نوافصله داشتیم که فکر می‌کردم، شاید بتوانیم سال ۲۰۲۰ را پشت سر بگذاریم؛ در همان لحظه، مادرم تماس گرفت و هیجان زده

## نشانه‌ها آنجا بود...

یکی از تعجب‌آورترین موارد حمله به کاخ کنگره، میزان تعجب ناشی از آن میان ناظران بود. این اقدام او باش به طور مستقیم، ناشی از سخنرانی رئیس جمهور، مصداقی بر تشویق آن‌ها به آمدن به واشنگتن و راهپیمایی در کنگره بود اما حامیان رئیس جمهور، همچنان به انتخابات نهاد‌های دولتی بی‌اعتماد بودند؛ از روی کار آمدن به مدت چهار سال، آن‌ها را توسعه داده است. متخصصان علوم سیاست‌های تطبیقی، رئیس جمهور ترامپ را به عنوان برآورده‌کننده ویژگی‌های یک استبداد بلندپرواز در نظر گرفتند. در حال حاضر در سال ۲۰۱۶، دانشمندان علوم سیاسی نامه‌های سرگشاده و ستون‌های سرمقاله ویژه را نوشتند که حاوی برشمردن گرایش‌های نشان داده شده به وسیله ترامپ بود که آن‌ها را به سطح بالاتری از خطر سوق داده است. از جمله این گرایش‌ها می‌توان به زیر سؤال بردن روند انتخابات (علیرغم پیروزی در کالج انتخابات)، متهم کردن مخالفان سیاسی وی به جنایات، زیر سؤال بردن مشروعیت دادگستری مستقل و حمله به مطبوعات اشاره کرد. این لیست، ده‌ها سال قبل توسط دو دانشمند علوم سیاسی، خوان لینز و آلفرد استپان - که درباره فروپاشی دموکراتیک در قرن گذشته تحقیق می‌کردند - تشکیل شده

و غمگین گفت که تلویزیون را روشن کنم. دوازده ساعت بعدی تلویزیون، واقعیت‌هایی به یک اندازه مسحورکننده، گمراه‌کننده، ترسناک و رقت‌انگیز بود؛ ترامپ در حال رهبری بود؛ شورش‌هایی که در انتظارش بود، آن‌هم بدون تیراندازی. پلیس‌ها در مقابل جمعیت خشمگین، سست شده بودند. پرچم شورشیان در کنگره قرار گرفته بود. شخص جنگجوی کلاه برس، کنگره را برای تصرف فراخواند. اعتراضات فصیح هاولی و کروزر، انکارهای چاپلوسانه و چاقوهایی در پشت که امیدوارند بتوانند از آن‌ها استفاده بکنند. این اتفاق به همان اندازه که ترسناک و رقت‌انگیز بود، تعجب‌آور نبود زیرا آن‌ها سال‌هاست که با انتخابات بازی می‌کنند، درحالی که اکثر ما بیش از حد جذب تصویر این مخاطبان احتمالی شده‌ایم؛ بنابراین بگذارید بگویم، این صبح بود که واقعاً تعجب‌آور بود. از این گذشته، چه کسی فکرش را می‌کرد که افراد خوب جورجیا برای سنا، افرادی آزادی‌خواه سیاه‌پوست و مارکس‌گرا یا افرادی یهودی - کمونیست انتخاب کنند؟ چه کسی واقعاً معتقد بود که ما می‌توانیم از تحت فرمان میچ خارج شویم؟ حداقل کلاهمان را به احترام کسانی مانند استیسی ابرام، قهرمان دوره ما که به مدت ده سال زیر آفتاب زحمت‌کشیده تا صدایش را به مخاطب یکسان غیرممکن برساند، از سردرآوریم.

بود و در سال ۲۰۱۶، توسط استیون لوینسکی و دنیل زیبلات در کتاب خود با عنوان «چگونه دموکراسی‌ها می‌میرند»، به روز شد. یک ویژگی رهبران مستبد قرن بیستم که در پرونده رئیس جمهور ترامپ، مبهم باقی ماند، این بود که آیا او از خشونت به عنوان ابزاری برای ماندن در قدرت استقبال می‌کند؟ این سؤال، دیروز پاسخ داده شد. علی‌رغم توییت بعد از ظهر رئیس جمهور که به طرفدارانش گفت از خشونت بپرهیزند، همچنان به آن‌ها اطمینان داد که حتی با وجود حمله به دفتر کنگره، آن‌ها را دوست دارد و آنان را «طرفداران خاص» خطاب کرد. حتی پس از پاک‌سازی عمارت کنگره از آشوبگران، بیش از ۱۴۰ جمهوری‌خواه، همچنان در کنگره به زیر سؤال بردن آراء انتخاباتی ارائه شده توسط ایالت‌ها ادامه دادند. به نظر می‌رسد آن‌ها اعتقاد داشتند که دموکراسی یا اهمیتی ندارد یا اگر دارد، هر چه به حمایت فعال آنان ندارد. هر چه در مورد فروپاشی دموکراسی در جای دیگری می‌دانیم، نشان می‌دهد که به هر حال، آن‌ها در اشتباه هستند.

## منبع:

این مقاله ترجمه است از مقاله‌ای که در آدرس ذیل، قابل دسترسی است:  
<https://watson.brown.edu/news/explore/2021/UScapitolattack>